

بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی ایران در شعر بیداری اسلامی بحرین

فرامرز میرزایی^۱
صدیقه زودرنج^۲
زهرا کوچکی‌نیت^۳

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی ایران، گفتمانی دینی-سیاسی است که فرهنگ اسلامی نقش بارزی در پیروزی آن داشته است. از این رو می‌توان این گفتمان را حاصل گفتارهای اندیشمندان مسلمان در یک صد سال گذشته دانست که در پی بازگشت به خویشتن دینی، خواستار برقراری حکومت اسلامی، به‌عنوان راه‌حلی برای حل مشکلات کنونی دنیای اسلام شدند. به همین دلیل، گفتمان این انقلاب در محدوده مرزهای جغرافیایی ایران محصور نشد و سایر کشورهای اسلامی منطقه را هم دربرگرفت. بحرین در میان کشورهای اسلامی، تأثیر عمیق‌تری از گفتمان انقلاب اسلامی ایران پذیرفت؛ زیرا وجوه مشترک فکری، فرهنگی و مذهبی بیشتری با ایران اسلامی دارد. در نتیجه، اثرپذیری شعر بیداری اسلامی بحرین از گفتمان انقلاب اسلامی بسیار عمیق گشت. شاعران پایداری بحرین مانند شاعران متعهد انقلاب اسلامی، گفتمان انقلاب را در اشعارشان بازتاب داده‌اند. مفاهیمی مانند جهاد، شهادت، پایداری در مبارزه بر ضد استبداد و استعمار، توجه عمیق به اندیشه‌ی اسلامی و شیعی و مضامین قرآن و احادیث، خیزش و بیداری، دعوت به همبستگی و اتحاد اسلامی و نفی تفرقه (حاصل حضور عموم مردم)، وطن‌دوستی، توجه به آرمان فلسطین و ... با رویکردی دینی و مشابه گفتمان انقلاب اسلامی در شعر آنان سخت قابل توجه می‌نماید. این امر نشان‌دهنده ماهیت جهان‌شمولی انقلاب اسلامی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: گفتمان انقلاب اسلامی، مقاومت، بیداری، شعر بحرین.

1- Email: mirzaefaramarz@yahoo.com

۱- استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی‌سینا (نویسنده مسئول)

2- Email: zoodranj_s@yahoo.com

۲- استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی‌سینا

3- Email: kochaki_zahra@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی‌سینا

۱. مقدمه

رخداد انقلاب اسلامی، تحقق عملی اندیشه‌ای بود که در قرن گذشته بازگشت به اسلام را، راه‌حل مشکلات فراروی جهان اسلام می‌دانست. اندیشه‌هایی مانند «بازگشت به خویشتن»، «اسلام تنها راه حل»، «اداره شورایی جهان اسلام» که از سوی اندیشمندانی مانند علامه اقبال لاهوری، سید جمال الدین اسدآبادی، امام خمینی (ره)، عبدالرحمن کواکبی، حسن البناء مصری و مالک بن نبی الجزایری مطرح می‌گردید، با پیروزی انقلاب اسلامی تبلوری اجرایی یافت. از این رو انقلاب اسلامی ایران، بیش از آن که سیاسی باشد، رخدادی فرهنگی - اسلامی بود که محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور نماند و پژواکی سهمگین در سایر کشورهای اسلامی داشت و به روند «بیداری اسلامی» شتابی دوچندان داد؛ زیرا الگویی نو و متناسب با جهان امروزی از اسلام سیاسی یا اداره اسلامی کشور، ارائه نمود.

ادبیات برآمده از گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی نیز همین ویژگی را دارد. نگاهی گذرا به ادبیات انقلاب اسلامی که از آن به «ادبیات پایداری» یاد می‌شود، نشان می‌دهد؛ بیش از آن که انقلاب، چهره‌ای سیاسی داشته باشد، دارای رویکردی فرهنگی - دینی است. مضامین شعری شاعرانی مانند امین‌پور، کاکایی، قزوه، حسینی، صفارزاده و دیگر شاعران انقلاب، به خوبی این سخن را تأیید می‌نمایند.

به نظر می‌آید پژوهشگران در بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر دیگر کشورهای مسلمان، به اثرپذیری گفتمان ادبی این کشورها از انقلاب اسلامی، توجه درخور نکرده‌اند. بررسی ادبیات پایداری جهان عرب در کشورهایی مانند فلسطین، لبنان، عراق، سوریه، مصر و به‌ویژه بحرین، نشان می‌دهد ویژگی‌های بارز گفتمان انقلاب اسلامی در ادب پایداری آنان جلوه ویژه‌ای دارد. ادبیات انقلاب‌های عربی در سال‌های ۲۰۱۰ به بعد نیز از این گفتمان آشکارا تأثیر پذیرفته است و این تأثیر بر ادبیات پایداری بحرین، بیشتر و آشکارتر می‌باشد؛ زیرا مردم مسلمان بحرین، پیوند تاریخی و فرهنگی ژرفی با ملت مسلمان ایران دارند. شعر انقلابی بحرین، که باید آن را شعر «بیداری اسلامی» نام نهاد، هم‌نوا با خیزش اسلامی مردم این کشور در سال ۲۰۱۱ شکل گرفت و به شایستگی، خواسته‌های مردم مسلمان این کشور را در رویارویی با حاکمیت خودخواه وابسته بازتاب داد؛ در نتیجه روایت‌گر گفتمان بیداری اسلامی مردم کشور شد. گفتمان شعری شاعران بیداری اسلامی بحرین، مانند شاعران انقلاب اسلامی ایران، اسیر خواسته‌های تنگ ملی‌گرایانه نشد؛ بلکه موضوعاتی چون شهادت‌طلبی، وحدت اسلامی، آرمان فلسطین و ... را در شعر این شاعران بازتاب داد.

پژوهش حاضر بر آن است با مقایسه گفتمان ادبی انقلاب اسلامی با شعر بیداری اسلامی بحرین، چگونگی اثرپذیری آن را از این گفتمان روشن نماید و پاسخی به این پرسش باشد: که مهم‌ترین مضامین گفتمان شعر بیداری اسلامی بحرین که متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است، چیست؟ و حقیقت را با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری دانسته‌های لازم از طریق منابع عمومی مانند: کتاب، مجله، روزنامه، مقالات و منابع اینترنتی، و تجزیه و تحلیل آن‌ها، آشکار کند.

۲. پیشینه تحقیق

«بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی ایران در شعر بیداری اسلامی بحرین» موضوعی جدید است. در پژوهش‌های انجام شده، صرفاً شرایط سیاسی و اجتماعی رخداد‌های بحرین مدنظر بوده و پژوهشی پیرامون موضوع این مقاله صورت نگرفته است؛ اگرچه آثاری درباره‌ی تعامل ادبی ایران و بحرین مانند کتاب «آیات بیداری» که مجموعه سروده‌های شاعران ایرانی درباره‌ی شاعران بحرینی و بیداری اسلامی می‌باشد و راضیه رجایی آن را گردآوری کرده، چاپ شده است. البته مقالاتی در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی بر ادبیات پایداری عرب نوشته شده است از جمله: «انقلاب اسلامی در آینه ادبیات عرب» نوشته ابوالفضل علوی خواه که شامل برخی از اشعار عربی به خصوص شاعران لبنانی در خصوص انقلاب اسلامی ایران است (فصلنامه‌ی پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی: ۱۳۸۱) و «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» نوشته ناصر محسنی‌نیا (ادبیات پایداری دانشگاه شهید با هنر کرمان: ۱۳۸۸) و «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیرگذاری و نمونه‌ها» نوشته مرتضی شیروودی (مطالعات انقلاب اسلامی: ۱۳۸۸) و «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین» نوشته محمد صادق نجفی و غلامحسین بلندیان (فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی: ۱۳۹۲).

۳. گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر قیام‌های عربی

واژه گفتمان (discourse) از زبان‌شناسی وارد علوم انسانی شد و کاربرد وسیعی یافت. «زلیگ هریس» نخستین بار آن را به کار برد (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۲۲) که بررسی واحدهای بزرگ‌تر از «جمله» را کانون توجه قرار داد (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۱۵) و آن را تحلیل گفتمانی نامید. با گسترش نقش‌گرایی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، مفهوم بافت، به معنی شرایط مکانی و زمانی کاربرد زبان، وارد تحلیل گفتمان گردید. در واقع گفتمان، برداشت ما را از واقعیت شکل می‌دهد. لذا فهم انسانی همواره گفتمانی است (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۹۵). گفتمان‌ها بر حسب پیچیدگی، عمق و دایره شمولیت، به انواع زیر تقسیم شده‌اند: ۱- گفتمان دینی ۲- گفتمان فلسفی ۳- گفتمان اخلاقی ۴- گفتمان قانونی ۵- گفتمان تاریخی ۶- گفتمان سیاسی- اجتماعی ۷- گفتمان ادبی- هنری ۸- گفتمان تبلیغاتی- اطلاعاتی ۹- گفتمان علمی منطقی (حنفی، ۱۹۹۸: ۲۳). در نقد گفتمان ادبی، بایستی ارتباط بین ذات ادب و موضوع آن، بین نگرش ادیب و واقعیتی که آن را به تصویر می‌کشد، روشن گردد (همان: ۲۶) زیرا موقعیت اجتماعی در گفتمان ادبی نقش اساسی دارد (میرزایی، نصیحت، ۱۳۸۴: ۴۸).

گفتمان انقلاب اسلامی را که به دلیل ماهیت جهان شمول دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۶۱) بایستی نوعی گفتمان دینی- سیاسی دانست. از این رو «مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که در چهارچوب آموزه‌های اسلامی با یکدیگر کلاف شده‌اند و به اندیشه و اهداف پیروان آن معنا می‌دهد و بر بنیاد شرعی سازی حیات انسانی قرار دارد و در نتیجه از جدانگاری دین و حیات اجتماعی که مورد قبول گفتمان غربی است، متمایز می‌گردد» (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).

۴. از این رو آغازگر یک گفتمان جهان‌شمول و رهایی بخش در جهان شد که در سخنان بینانگذار انقلاب اسلامی به معنای ترویج اسلام و دفاع از مظلومان در برابر مستکبران آمده است: «ما انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول‌الله(ص) بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۶)؛ بنابراین طبیعی بود که ندای انقلاب، محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نشود. قدرت نرم انقلاب اسلامی در چارچوب کلی گفتمان اسلامی و در قالب آموزه‌های مذهب شیعه عمل کرد و باعث پیروزی بر رژیم مستبد و غربی شد؛ لذا جنبش اخیر مردم مسلمان کشورهای عرب، در واقع بازسازی همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بود؛ زیرا در شرایطی یکسان قرار داشتند. این انقلاب اسلامی بود که انرژی روشنفکران مسلمان دنیای عرب را برای تشکیل حکومت اسلامی آزاد کرد. این رویکرد در اساسنامه، گفتار و عمل سیاسی جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر به شکل‌های گوناگون مشاهده می‌شود (شیرودی، ۱۳۸۴: ۲۳). رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در همایش بیداری اسلامی، الگو بودن ملت ایران را خاطر نشان ساختند و فرمودند: انقلاب اسلامی «ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرده است» (برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در مرداد ۱۳۹۰). البته نبود یک رهبری منسجم در قیام‌های عربی، آن را آسیب‌پذیر ساخت؛ برخلاف انقلاب اسلامی که امام خمینی(ره) با توانایی و آگاهی و با مدیریت ویژه خود، به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی، با مدیریت زمان و پیش‌نگری، هدفمندان آن را هدایت کردند (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۴۲ و ۲۳۴)؛ در حقیقت، پایگاه اجتماعی منحصر بفرد رهبری در انقلاب اسلامی ایران، عامل اساسی تثبیت آن گردید.

۴. محور اصلی گفتمان ادبیات پایداری

یکی از کارکردهای ادبیات، معرفت‌افزایی در مبارزه با ستم و ایجاد روحیه ستم‌ستیزی است و ارزیابان - ادبی، ادبیاتی را که چنین ویژگی را به شکل بارزی نمایان سازد، ادبیات پایداری نامیده و به آن اهمیت درخوری داده‌اند. ادبیات مقاومت به «مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و با زبانی ادیبانه سخن گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ دادن فاجعه و برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰ - ۱۱). شاید بتوان ادب پایداری را «سلحه‌ای با گلوله کلمات علیه دشمن‌نقدار» نامید (مصطفوی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۶۷-۵۶۶). از این رو محور اصلی گفتمان ادب پایداری، مبارزه با اشکال گوناگون ستم و استضعاف می‌باشد.

۵. بازتاب مضامین انقلاب اسلامی ایران در اشعار شاعران بحرینی

بارزترین مضامین گفتمان انقلاب اسلامی که در شعر بیداری اسلامی بحرین نمود دارد، عبارتند از:

۱- ۵ تأکید بر گفتمان دینی و اندیشه اسلامی با تکیه بر میراث دینی

حضور مردم در راهپیمایی‌ها با در دست داشتن قرآن، شکل‌گیری گسترده‌ترین تظاهرات علیه دیکتاتورها بعد از نماز جمعه، فراگیر بودن شعار الله‌اکبر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای مبارزات، درخواست برای مبارزه با دشمن منطقه‌ای مسلمانان و حضور زنان با حجاب، به عنوان نماد اسلامی در مبارزات، از جمله نشانه‌های حاکمیت گفتمان دینی بر خیزش مردم مسلمان ایران بود (خواجسته‌سروری، ۱۰۱: ۱۳۹۱) که بیانگر سیطره روح اسلام خواهی، در شکل‌گیری این مبارزات می‌باشد. این نشانه‌ها به‌روشنی در شعر انقلاب اسلامی بازتاب دارد.

«مهرداد اوستا» و «محمد حسین شه‌ریار» در اشعار خود با بیان این نمادها، سیطره روح اسلامی را بر انقلاب نشان داده‌اند: «با نص قرآن مبین فرمانروایان زمین / باشد چون مستضعفین صدق پیمبر دیده‌ام» (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۶۲) و یا:

«نماز جمعه دشمن شکن را بپا دارید در اقطار کشور / به هر تکبیر او مستکبران را خلد در حلق و حنجر، خار و خنجر» (همان: ۱۶۷)

«آیات قرمزی» شاعر نامدار بحرینی، همین رویکرد را دارد. وی مبارزه را برای حفظ دین می‌داند:

«و کُنَّا و ما زلنا علی عادةِ الإِبا / نموت لیحیا الدینُ والعزُّ هاهنا

ألا فاقتلونا هکذا نحن هکذا / إذا ما قُتِلنا نملأُ الدهرَ والدُّنا» (آیات القرمزی، دیوان)

«تا بوده و هستیم به سرکشی (در برابر طاغوت) عادت کرده‌ایم / می‌میریم تا دین و عزت در این جا زنده بماند. / بدانید، اگر ما را چنین بکشید، ما نیز، روزگار و دنیا را پر از نسلی نو خواهیم کرد»

انقلاب اسلامی، دین و باورهای دینی را دوباره به عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان آورد و اندیشه‌ی ناب اسلامی را که برگرفته از قرآن، سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بود، بازآفرینی کرد؛ از این رو به‌عنوان عامل مهم بیداری و مقاومت در منطقه شناخته شد. این، همان اندیشه بازگشت به خویشتن است که افراد منادی آن، امام خمینی(ره)، محمد اقبال لاهوری، سیدقطب و ... بودند که باور داشتند مسلمانان به جای روی‌آوری به مکتب‌های غربی، باید بینش و نگرش اسلامی را احیاء نمایند؛ لذا شاعران بحرینی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی، میراث دینی را در خدمت شعر بیداری قرار داده‌اند و با بازآفرینی این میراث ارزشمند و برجسته نمودن نمادهایی مانند عاشورا و قیام امام حسین(ع) مضامین شعری خود را عمق بخشیده‌اند.

بی‌تردید واقعه‌ی عاشورا یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی و اصلی‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. به همین جهت، مضامین عاشورایی، همچون ایثار، شهادت، حسین «علیه السلام»، زینب(س)، مرگ سرخ، مقاومت و ... در شعر شاعران پایداری موج می‌زند. شاعر انقلاب اسلامی با ارائه تصویری زیبا از سر بریده امام حسین(ع) بر نیزه، آن را شرح ایمان حقیقی و مناره حق‌طلبی می‌داند:

«شوریده سری که شرح ایمان می کرد
 با نای بریده نیز بر منبر نی

هفتاد و دو فصل سرخ عنوان می کرد
 تفسیر خجسته‌ای ز قرآن می کرد»
 (حسینی، ۱۳۸۷، ۸۵)

شاعران بحرینی هم آرمان‌ها و آموزه‌های شاخص شیعه مانند امامت، غدیر، جهاد و شهادت را به گونه‌ای فرازمانی مطرح کرده و آن را به زمان کنونی تعمیم داده‌اند. در ابیات زیر، شاعر بحرینی با اشاره به واقعه کربلا، راز آوارگی را وفاداری به اهل بیت پیامبر(ص) می‌داند؛ روشی که مانند شعله برافروخته، راه را روشن می‌نماید:

«ما السرُّ؟ إنَّ السرَّ آلُ مُحَمَّدٍ ثَمَنُ الْوَلَاءِ لَهُمْ أَذَى وَتَشَرُّدُ
 ثَمَنُ الْوَلَاءِ بَأَنْ تُضَامَ لَأَنَّ فِي نَهْجِ التَّشْيِيعِ شُعْلَةٌ لَا تُخْمَدُ
 هِيَ شُعْلَةٌ مِنْ كَرْبَلَاءَ وَقُوْدُهَا تَبْقَى عَلَى طُولِ الْمَدَى تَتَوَقَّدُ» (العالمی، ۲۰۱۱)

«رمز و راز قضیه چیست؟ همان خاندان محمد(ص) است که بهای دوستی آنان، آزار و آوارگی است! بهای دوستی آنان، مظلومیت است؛ زیرا راه شیعه، شعله‌ای خاموش نشدنی می‌باشد/ شعله‌ای که هیزم آن از کربلا است و تا ابد، شعله ور باقی خواهد ماند».

۲-۵ ستایش جهاد و شهادت

تقدیس شهادت از شاخص‌های آشکار گفتمان انقلاب اسلامی می باشد که دیوان شاعران انقلاب، پر از آن است. سلمان هراتی در مثنوی «ای گل خوشبو» شهید را با عبارتی زیبا چنین توصیف می‌نماید: «ای شهید ای جاری پنهان/ جای از پندار ما بیرون/ رفته‌ای با اسب خونین یال/ ای شهید ای مرغ آتش بال...» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۱). حمید سبزواری، شاعر انقلاب، شهادت را همچون بیرق و تکیه گاه و مایه‌ی سعادت و خوشبختی می‌داند:

«ما تکیه به بیرق شهادت زده‌ایم در کوی شرف گوی ارادت زده‌ایم
 با خامه خون به جاودان دفتر عشق نقشی عجب از پی سعادت زده‌ایم»

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۱۲۶)

واژه‌های شهادت، خون، جهاد، کلیدواژه‌های شعر بیداری اسلامی بحرین می‌باشد. تقدیس شهید و احترام به شکوه وی در شعر شاعر بحرینی چنین بازتاب دارد:

«هل كَفَّنوك بِسورة الشهداء أم كنت في القرآن حرف إباء
 لا نامت الأحلام في أصدافها و فمي جراحك والحروف دمائي
 يا وردة فتح الضحى أسرارها فتلجمت بك ألسن الشعراء» (الياسري، ديوان)

«آیا تو را با سوره‌ی شهدا کفن کردند یا در قرآن حرف عزت و سربلندی بودی؟/ آرزوهای مروارید گونه در صدف‌های خود آرام نخواهند گرفت مادامی که زخم‌های تو، زبان شعر من و حروف، خون من

باشد/ ای گلی که خورشید بامداد، پرده از اسرارش برداشت و زبان شاعران در (ذکر محاسنش) از سخن باز ماند.»

۳-۵ پایداری در مبارزه علیه استبداد و استعمار

دعوت به قیام، ایستادگی، ایثار و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری است؛ (محقق، ۱۳۹۰: ۱۳۱) بنابراین بخش گسترده و مهمی از اشعار شاعران، با مضمون تشویق و تهییج مردم علیه ستم سروده شده است. قیصر امین پور در شعر «حکم آغاز طوفان» حکایت‌کننده‌ی داستان مردمی از نسل خون و شهادت است که پشت در پشت در برابر متجاوزان ایستادگی کرده‌اند: «نسل در نسل / از تبار خون، پشت در پشت» (امین-پور، ۱۳۸۸: ۳۵۴)

پرویز بیگی حبیب آبادی نیز ایستادگی را با امید و روشنایی پیوند زده و می‌گوید:

"به شکوه جوانه‌ها سوگند / به تب سبز دانه‌ها سوگند

که ز پا هیچ و هیچ ننشینیم / تا شکوفای فجر را ببینیم"

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۸۸)

زکی یاسری، شاعر بحرینی، شرط رسیدن به پیروزی را خون دادن و استوار ماندن می‌داند:

«یا أيها الشعبُ السلیبُ الغریب / کسبَطِ طه فی الطوفِوفِ تریب

النصرُ لا یقیلُ غیرَ الدماءِ / تَمَنَّا معَ الدمعِ الذروفِ السکوبِ

کن کالجیالِ الراسیاتِ إذا ... / هبَّت ریاحُ الشرِّ حینَ الخطوبِ

إن الذینَ بالأسی غرَبوا ... / سیشرقونَ النصرَ بعدَ المغیبِ» (الیاسری، دیوان)

«ای ملت چپاول شده و غریب، که مانند امام حسین(ع) در کربلا به خاک و خون آغشته شدی / بهای پیروزی فقط خون است؛ بهایی که با اشک ریزان و ناله همراه است. / مانند کوه‌های سر به فلک کشیده مقاوم باش، آن هنگام که بادهای شر در وقوع مصیبت‌ها وزد / حقیقتاً کسانی که با درد و رنج غروب کردند با پیروزی طلوع خواهند کرد».

شاعری دیگر، مقاومت سرسختانه‌ی خود را مانند مقاومت حضرت ابراهیم(ع) در برابر طاغوتیان بت-

پرست می‌داند که منجنيق درونش، او را در دفاع از دینش به کام مرگ پرتاب می‌کند:

«أنا الذی شدَّ من أحبالِ سُرَّتِهِ / یومُ الولادةِ قوساً للفراعینِ

أشکلُ الصدرِ مقلعاً وتقذفنی / حمیَّتِ فی الردی دوداً عن الدینِ»

(عبدالله القرمزی، دیوان)

«من همانم که از بدو تولد، از بند نافم کمانی را برای فرعونیان بستم / در سینه‌ام منجنيقی می‌سازم و

غیرتم، مرا برای دفاع از دین و ایمانم به کام مرگ پرتاب می‌کند».

۴-۵ دعوت به همبستگی و اتحاد اسلامی و نفی تفرقه (حاصل حضور عموم مردم)

همبستگی مردم که از آن به «وحدت» یاد می‌شود، یکی از مؤلفه‌های اساسی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی «توحید کلمه و کلمه توحید» را در کنار هم، رمز پیروزی می‌دانست (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰: ۴۸). شرایط نابسامان دنیای کنونی اسلام، همبستگی اسلامی را نیازی مبرم کرده و در شعر پایداری انقلاب به شکل‌های گوناگون مطرح شده است. شعر «طرحی برای صلح» از امین‌پور به زیبایی همه را به همبستگی دعوت می‌کند: «شهیدی که بر خاک می‌خفت/ چنین در دلش گفت/ «اگر فتح این است/ که دشمن شکست،/ چرا همچنان دشمنی هست؟» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۶). محمود شاهرخی اتحاد مستحکم جبهه اسلام را با واژه‌ی قرآنی «بنیان مرصوص» و «سد روئین» بیان می‌نماید:

کی زند آسیتان سیل سپاه کفر و شرک
سد روئین است این مرصوص بنیان شما"
(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۱۴۸)

وحدت اسلامی، به‌ویژه وحدت بین شیعه و سنی، از دغدغه‌های شاعران بحرینی می‌باشد. آیات قرمزی در قصیده‌ی «برادران سنی و شیعه» حرکت مردم را بیانگر یگانگی و وحدت آنان می‌داند:

«البحرین ماهی قضیة سنة أو شیعة، البحرین قصة شعب مطلوب ترکیه»

البحرین شعبُ النبی و آل النبی و عترته و صحبه الوفیة إله و هیهات تخضیعهُ» (القرمزی، دیوان)

«مسأله بحرین، قضیه‌ی شیعه و سنی نیست بلکه داستان ملتی است که دیگران قصد دارند او را خوار کنند/ بحرین، امت نبی خدا و خاندان پاک و صحابه وفادارش است. دور باد، که به این تفرقه تن در دهد».

این گفتمان شعری، در برابر سیاست آل خلیفه قرار دارد که می‌کوشد قیام مردمی بحرین را طایفه‌ای و مذهبی اعلام کند. این گفتمان هماهنگ با شعارهای: لا شیعة، لا سنی، لا اله الا الله محمد رسول الله، لا شرقیة، لا غربیة، بحرینیة بحرینیة! مردم بحرین می‌باشد (علیجان‌زاده‌روشن: ۱۱۹).

۵-۵ روحیه‌ی آزادگی و عدالت‌خواهی

عدالت، رکن اساسی گفتمان دینی - سیاسی انقلاب اسلامی می‌باشد که همسو با فرهنگ شیعه شکل گرفته است. نبود عدالت؛ بی‌سروسامانی، تبعیض، فقر، دزدی و فساد در جامعه در پی دارد «مهرآوران، ۱۳۸۶: ۲۲۰». طبیعی است که این امر یکی از مضامین ادبیات پایداری انقلاب باشد. محمدرضا عبدالملکیان باور دارد که ستمگران، حقیقت را نخواهند فهمید: «اما چشمان ظالم دنیا / هیچ‌گاه به حقیقت، بر مظلومان دنیا / گشوده نگشته است/ تنها به حسرتی از سر دروغ بسنده کردند» (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۱۵)

صفارزاده، ستایشگر عدالت و برابری است: «آوار گونه می‌افتد بیداد/ بر روی حنجره‌ی حق‌خواهی / بر روی استخوان صدق و صبوری / در طرد این شریر / دستی باید باشد / دستی به اقتدار توکل / دستی که دور

می‌شود از دستگیره‌ها / دستی که وصل می‌شود / به جاودانگی ایمان ...» (صفارزاده، دیدار صبح، ۱۳۸۴: ۷۲). وی عشق و علاقه‌ی خود را به مذهب تشیع ناشی از عدالت‌طلبی و ستم‌ستیزی این مذهب می‌داند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۳۲۸).

بر همین اساس، آزادی خواهی و عدالت از آرمان‌های ملت بحرین بخصوص شیعیان است. آزادی و واژگانی نظیر آن را فراوان می‌توان در شعر شاعران شیعه بحرین مشاهده کرد؛ چرا که نابرابری‌های اجتماعی در بحرین بیداد می‌کند و صاحبان حق از حقوق مسلم خود محروم هستند. شاعر در این زمینه، طلب کمال و آزادی را بر زندگی با ذلت ترجیح می‌دهد:

الموتُ فی طلبِ الکمالِ کمالٌ..... والعیشُ فی ذلِّ الحیاةِ زوالٌ

و الإنعتاقُ مِنَ الزمانِ تَحَرُّرٌ..... والثابتونَ علی الجراحِ جبالٌ (عبدالله‌القرمزی، دیوان)

«مرگ، در راه کمال، کمال است و زندگی با ذلت، مرگ است / رهایی از روزگار، آزادی است / و کسانی که زخم‌ها را تحمل می‌کنند، همچون کوه‌اند».

۶-۵ وطن دوستی دینی

وابستگی و تعلق به مکان، در انسان حس وطن دوستی و عشق به سرزمین و زادگاه پدری و مادری را از سویی، و حق تابعیت و شهروندی را از سودی دیگر فراهم می‌کند (کرانگ، ۱۳۸۳: ۱۴۴) و در صورت بروز شرایط تجاوز و دفاع، فرهنگ حماسی، شهادت‌طلبی، قهرمان‌پروری و قداست‌پنداری را در شهروندان شکل می‌دهد (روشنفکر و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). در واقع، وطن دوستی به‌عنوان یکی از بارزترین مضامین ادبیات مقاومت ملل است. این مفهوم، هویت هنری شاعر را تشکیل می‌دهد.

قیصر امین‌پور در شعر «قطعنامه‌ی جنگل» ویرانی و مرگ جنگل (نماد ایران) را نمی‌پذیرد و در فضایی حماسی و غرورآمیز، فریاد مقاومت و جاودانگی ایران را در برابر تمام حملات سر می‌دهد: «جنگل بلند و سبز / به پا خاست / جنگل، هجوم طوفان را تکذیب می‌کند» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

سپیده کاشانی در شعر معروف خود، مفهوم وطن دوستی دینی را به زیبایی و با به‌کارگیری واژه‌های عشق، میهن، ایرانی، آرمان و شهادت ترسیم می‌نماید و دشمن را این گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

"تمم گر بسوزی، به تیرم بدوزی / جدا سازی ای خصم سر از تن من

کجا می‌توانی ز قلبم ربایی / تو عشق میان من و میهن من

من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت / تجلی هستی است جان‌کننده من"

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۳۱)

شاعر بحرینی، سرزمین خود را بهترین سرزمین‌ها و مردم خود را شایسته نثار عشق و محبت می‌داند. زکی الیاسری عشق خود به وطن را این گونه بیان می‌کند:

"قالوا وَ قد أسهبوا فی عَشِقِهَا عَذْلِي

فقلتُ بحرینُ أحلى الارضِ واللهِ

إِنْ غَبْتُ عَنْ شَعْبِهَا يَوْمَئِذٍ يُغْرَقُنِي
شَوْقِي إِلَيْهِمْ فَأُضْحِي تَائِبًا سَاهِيًّا

(الیاسری، دیوان)

«بسیار گفتند و مرا در عشق بحرین سرزنش‌ها کردند/ گفتم: به خدا سوگند! بحرین خوشایندترین سرزمین‌ها است./ اگر من از ملت بحرین دو روز دور شوم/ سراسر، شور و اشتیاق می‌شوم و حیران و سرگردان می‌گردم».

۷-۵ فلسطین، آرمان و اسطوره‌ی برتر

آرمان فلسطین، یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام و یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. آزادسازی قدس و فلسطین از چنگال صهیونیسم از همان ابتدای انقلاب در شعرهای مردم مسلمان ایران نمود داشت. حسینی شاعر انقلاب، در شعر «معبّر سرخ» با لحنی عرفانی و حماسی، رهایی قدس از اشغال صهیونیست‌ها را فریاد می‌زند و اعلام می‌کند که راه قدس از کربلا می‌گذرد:

«اینان که ز عرصه‌ی کربلا می‌گذرند

با زمزمه‌ی سرود "لا" می‌گذرند

تا قدس رها ز بند بیداد شود

از معبر سرخ کربلا می‌گذرند» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

نصرت‌الله مردانی نیز پیشروی به سوی قدس را رسیدن به صبح پیروزی می‌داند:

"می‌شکافد سینه شب، شعله شمشیر فجر

ای برادر تا پگاه قدس با رهبر به پیش"

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۸۳)

شاعر بحرینی هم با ابداع هنری خود در کلمه‌ی «صموود» با تکرار حرف ضمه‌ی بلند، مقاومت و پایداری بحرینی‌ها را همچون مقاومت و پایداری فلسطینی‌ها برجسته می‌نماید:

الله يَعْلَمُ أَنَّ فِي الْبَحْرَيْنِ مَا

..... زَلْنَا صمووودُ كَغَزَّةِ الْغِيَاءِ

وَأَنَا عَزَائِي أَنْ رَبِّي سَامِعِي

..... وَ هُوَ الْمُعِيدُ الْحَقُّ لِلضَّعْفَاءِ

خَذْ يَا إِلَهِي مِنْ فَوَادِي حُبِّهَا

..... وَرَدًا بِهٖ وَجَدَ الْفُؤَادُ عَزَائِي

(الیاسری، دیوان)

«خداوند می‌داند که ما همچنان مانند غزه مقاوم هستیم / تسلی خاطر من این است که پروردگارم ندایم را می‌شنود/ او برگرداننده‌ی حق به ضعیفان است/ خدایا عشق و محبت گلگونم را نسبت به غزه پذیرا باش چراکه آرامش قلب من در آن است».

۸-۵ ستایشی چهره‌ی تراز اول انقلاب به عنوان کانون مبارزه

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر حرکت‌های عصر حاضر توسط روحانیت شیعه است؛ مردم ایران در سال‌های پایانی رو به انقلاب و بعد از آن با حرکت در مسیر ترسیم شده توسط حضرت امام خمینی(ره) بود که توانستند بر مشکلات غلبه کرده و امروز، ایران را به‌عنوان قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل کنند. قطعاً انقلاب اسلامی بی‌نام امام(ره) در هیچ جای جهان شناخته نمی‌شود. امام خمینی(ره) بزرگ مردی است که تاریخ، مدیون فداکاری و ایستادگی او در برابر استکبار و استبداد طاغوت است (تاج‌بخش، گنجی بیجارس، ۱۳۸۹: ۸۳).

در شعر حسینی، امام خمینی به‌عنوان "آیت حق" و حافظ رزمندگان در برابر فتنه‌ی اهریمن معرفی شده است:

"در شما فتنه خناس ندارد اثری/ تا بود آیت حق، روح خدا رهبرتان"

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۱۱۰)

نصرالله مردانی نیز در شعر خود به تأسی از قرآن کریم، ملت مسلمان را وارثان زمین می‌شمارد و پیشوایشان (امام خمینی) را خورشید بیدارگر آنان:

"وارثان خاک! خورشید شما روح خداست / آن که کرد از خواب سنگین قرون بیدارتان(همان، ۲۸۴)

در میان شخصیت‌های موجود در بحرین، کسی که به عنوان مرجعیت شیعه بیشترین اثرگذاری را بر انقلاب دارد، آیت‌الله عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی است. حمایت ایشان از حرکت‌های اجتماعی در بحرین نقش تعیین کننده‌ای در حضور مردم و شکل‌گیری تحولات دارد. شاعر بحرینی، درباره‌ی رهبری طولانی مدت آیت‌الله عیسی الدرازی و سخنرانی‌ها و خطبه‌هایشان که عامل بیداری و آگاهی است، چنین می‌سراید:

"أبا سامی رعاك الله ذخرأ لهذا الشعب يا ليث المنابر

فأنتَ زعيمٌ رفعتنا و بيقى صدی الصرخات يسخرُ للمشاعر

أبا سامی رويدك لا تلمنى إذا قصرتُ في ذكرِ المفاجر

فكيف لعاجزٍ مثلى و أنى لقايتي بمدحك ان تُغامر» (الياسرى، ديوان)

«ای صاحب بزرگی‌ها، خداوند تو را برای این ملت نگاه دارد ای شیرمرد منبرها/ تو رهبر مایی و بر ما ارج نهادی و پژواک فریادهایت (سخنانت) پیوسته احساس‌ها را افسون می‌کند/ ای پدر بزرگی‌ها، مهلت بده و آن هنگام که کوتاهی می‌کنم در ذکر بزرگی‌ها و فضیلت‌هایت، مرا سرزنش نکن. / چگونه بر ناتوانی مثل من ممکن است با شعرش به مدح و ستایش شخصی چون تو بپردازد؟!»

۹-۵ مژده پیروزی و امیدآوری با نگرش دینی

از ویژگی‌های ادبیات پایداری، زنده کردن امید به پیروزی در قلوب مردمان است. ادیب متعهد می‌کوشد تا با زنده نگه داشتن روح امید، از بروز ضعف و سستی در وجود مبارزان جلوگیری کند. از همین رو شاعران به جز مخالفت با رژیم استبدادی از طریق شعر مقاومت دینی، بشارت دهنده‌ی "صبح بیداری" نیز هستند. در شعر محمدحسن صفوی‌پور (قیصر)، عبارات و واژگانی همچون پایان شب، تولد سحر، شط نور، دفتر صبح، آیات ظفر و... همگی بیانگر امید به فتح و پیروزی است:

«پایان شب آخرین خبر را خواندیم تبریک تولد سحر را خواندیم
در جاری شط نور در دفتر صبح آیات مقدس ظفر را خواندیم»

(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۰۲)

و شاعر بحرینی هم مژده صبح بیداری را چنین سر می‌دهد:

«سَيَدْخُلُ نَصْرُنَا التَّارِيخُ نَوْرًا يَضِيُّ مَسَالِكَ الدُّنْيَا سِرَاجًا
و نَبْقَى فَوْقَ رَأْسِ الْمَجْدِ فَخْرًا نُزَيِّنُ رَأْسَهُ بِالْعَزْمِ تَاجًا» (الیاسری، دیوان)

«پیروزی ما در تاریخ نوری ایجاد خواهد کرد و این نور همانند چراغی، راه‌های دنیا را روشن خواهد نمود. / و ما فخرکنان در اوج مجد و عظمت باقی خواهیم ماند و با تاجی از عزم و اراده، رأس مجد و شرف را زینت خواهیم داد.»

۱۰-۵ احیای هویت، عزت و کرامت مسلمانان

انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته شده در تقابل با هویت غربی قرار داد. با پیروزی انقلاب و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، همه‌ی مسلمانان جهان هویتی تازه یافته و احساس عزت و شخصیت اسلامی در آنان دمیده شد (کدیور، ۱۳۷۹: ۱۰۱). شاعر پایداری، درس آزادگی و کرامت را از معلم بزرگ عزت و آزادگی حضرت امام حسین (ع) آموخته و چنین می‌سراید:

«دادن جان به شرف می‌ارزد / گوهر جان به صدف می‌ارزد / مرد را دادن جان با عزت / بهتر از زندگی با ذلت» (ده‌بزرگی، ۱۰۳).

استاد شهریار نیز صف رزمندگان را به صفوف جهاد صدر اسلام که وصف آن‌ها در قرآن کریم آمده است، مانند می‌کند و بدین وسیله عزت و کرامت پیشین مسلمانان را یادآور می‌شود:

"سلام ای صخره‌های صف کشیده به پیش تانک‌های کوه پیکر
صف جنگ و جهاد صدر اسلام صف عمار یاسر، مالک اشتر

به قرآن وصف او "بنیان مرصوص" صف مولا علی، سردار صفدر" (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۱۶۶)

شاعر بحرینی هم با استفاده از بینا متنی شعر ابوالقاسم شابی، شاعر برجسته‌ی تونسسی: «إِذَا الشُّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ/ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ» با اندکی تغییر خواهان دستیابی به عزت و کرامت اسلامی است:

إِذَا الشُّعْبُ أَرَادَتْ نَيْلَ عِزَّتِهَا... سَيَسْتَجِيبُ لَهَا التَّارِيخُ وَالْقَدْرُ
لَا شَيْءَ يَشْفِي غَلِيلَ النَّاسِ فِي زَمَنٍ... بِهِ الْقُلُوبُ مِنَ الْأَلَامِ تُعْتَصِرُ
إِلَّا سُقُوطُ الطُّغَاةِ الْيَوْمَ فِي سَقَرٍ... مِنَ الْقِلَاعِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (التتان، ۲۰۱۱)

«اگر ملت خواهان رسیدن به عزت خود باشد / تاریخ و قضا و قدر تسلیم آن‌ها خواهد شد و خواسته‌ی آن‌ها را اجابت خواهد کرد/ هیچ چیزی بغض و انتقام مردم را در عصری که / قلب‌هایشان از شدت درد به هم فشرده می‌شود، نمی‌تواند شفا دهد/ مگر سقوط طاغوتیان امروز، همراه با کاخ‌هایشان در جهنم (سقر) و تو چه می‌دانی سقر چیست؟»
شابی می‌گوید: هر که آزادی و زندگی حقیقی می‌خواهد، باید به اراده‌ی الهی پاسخ مثبت دهد و اراده‌ی الهی این است.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (عد/۱۱) (خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند). پس باید قید و بند بردگی و عبودیت را بشکنند: و لا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ؛ اما در متن حاضر، شاعر بحرینی اراده‌ی عزت نموده؛ احیای عزت و کرامت انسانی در سایه‌ی اسلام. باید طاغوتی که انسان رابه بندگی می‌کشد، در جهنم (سقر) سقوط کند: «وَمَا أَدْرِيكَ مَا سَقَرٌ» (مدثر/ ۲۷). او خواهان سقوط طاغوتیان در بدترین و ژرف‌ترین طبقات جهنم به نام «سقر» است نه فقط شکستن قید و بند و بردگی بلکه سقوط جسم به همراه روح؛ چراکه «شراره سقر از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و همه را شامل می‌شود، به خلاف آتش دنیا که بسیار می‌شود بعضی از چیزها که در آن می‌افتد نمی‌سوزاند و اگر مثلاً انسانی در آن بیفتد، پوست ظاهری و صفات جسمیش را می‌سوزاند، و به روح او و صفات روحیش نمی‌رسد؛ اما سقر، احدی از کسانی که در آن می‌افتند، باقی نمی‌گذارد بلکه همه را فرا می‌گیرد.» (مکارم‌شیرازی، ج: ۲۵: ۲۰۳)

۱۱-۵ حضور فعال زنان مسلمان

حضور گسترده‌ی زنان مسلمان با نمادهای اسلامی مانند حجاب در تظاهرات، نشانه بارزی از حضور گفتمان دینی در انقلاب‌های عربی است. زنان ایران اسلامی در عرصه‌ی مبارزه با جبهه‌ی استکبار و ظلم و ستم همیشه به عنوان یک الگوی مثال‌زدنی در سطح جهان اسلام مطرح هستند؛ لذا «کشورهایی که به لحاظ مذهبی و اعتقادات دینی به فرهنگ تشیع نزدیک‌تر می‌باشند، نقش زنانشان در عرصه‌ی تحولات آن کشور پررنگ‌تر حس می‌شود و یا زنان کشورهایی که به لحاظ جغرافیایی و فرهنگ قومی به ایران نزدیک هستند نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌های انقلاب آن کشور به‌شمار می‌آید»

(پورطالب، ۱۳۹۱). به‌عنوان مثال آیات قرمزی شاعر زن بحرینی به‌عنوان اسوه‌ی عفاف و مقاومت در میدان مبارزه حضور داشت. از این‌رو برنده جایزه بین‌المللی دفاع از آزادی در کشورش شد.

بنابراین مشارکت زنان ایرانی در انقلاب، دو اثر مهم در جهان عرب بر جای نهاد: «۱. اثر فکری؛ این امر موجب شد که اعتقاد به این که حجاب مانع از مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی باشد، از بین رود ۲. نقش زنان در ایران باعث گردید زنان متعهد در جهان عرب به مشارکت عملی در اسلام به ویژه در جهت سیاسی و اجتماعی تشویق شوند ولی اثرگذاری آنان در زنان شیعه بیشتر است؛ زیرا تحرک فکری زن ایرانی در رابطه با نقش تاریخی حضرت فاطمه (س) و دختر او حضرت زینب (س) شکل گرفته است، به‌ویژه که آن‌ها الگویی برای زنان شیعه می‌باشند» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۸). قیصرامین‌پور نیز در شعر «رسم» به کشتار زنان و کودکان توسط دشمن اشاره دارد:

«این دخترکان، بهشتشان کابین است
برج‌له‌ی گور، خونشان آذین است» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۱)

استاد شهریار، ضمن یادآوری نقش زنان در پشت جبهه، به عفت آنان اشاره می‌کند و زینب (س) را بهترین الگوی زنان برمی‌شمارد؛ الگویی که با خطبه‌ی علی وار خود در مجلس یزید، جبروت وی را درهم شکست و همگان را دچار حیرت و شگفتی نمود:

"به پشت جبهه‌های شیرمردان، شیر زن‌هایی است که از عفت، سری از پرده شان بیرون نخواهد شد
زن الگو مثالش بنت زهرا زینب کبراست

که سرمشقی به خوش خطی این خاتون نخواهد شد

خطیبی کو یزید از خطبه افسون می‌کند چون مار چه ماری! کو به هیچ افسانه‌ای افسون نخواهد شد"
(نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۱۷۱ و ۱۷۲)

و اما بخش‌هایی از سروده‌ی زکی الیاسری اختصاص به زنان فعال در عرصه‌ی مقاومت دارد. در این اشعار، آزادی خواهی زنان بحرین و ارزش و اهمیت آنان به تصویر درآمده و از آن‌ها با عنوان "امیرات الفصاحة" (ملکه‌های سخنوری) و "بواتر" (شمشیرهای برنده) نام برده شده است:

"حرائرنا بشورتنا اَبْنٌ / لأهل الارضِ ما معنی الحرائر

نساء الثرة العالی نِداها / مُحالٌ ان تُدانیها نضائر

امیرات الفصاحة فی بیان / وفی الساحاتِ نسوتنا بواتر" (الیاسری، الدیوان)

«آزاد زنانمان مفهوم آزادی زن را بر اهل زمین روشن کردند. / غیر ممکن است جواهرات بتواند به پای زنان انقلابی ما که فریاد آزادی خواهی آن‌ها بلند است، برسد/ آن زنان بزرگ در بیان و گفتار، ملکه‌های سخنور هستند و در میدان نبرد همچون شمشیر بران عمل می‌کنند».

وی «آیات قرمزی» شاعره جوان بحرینی را که رژیم آل خلیفه بارها وی را شکنجه کرده است، با عناوینی همچون "فخر النساء"، "رائدة الصمود" و "بیت القصيد" یاد می‌کند:

"آیاتُ یا فخرَ النساءِ / تبقینَ رائدةَ الصمود

وَ عَفَاكَ يَا فَخْرَنَا هِيهَاتَ يَخْدَشُهُ الْحَقُودُ
تَبْقِينَ يَا عَطَرَ الْكِرَامَةِ عِنْدَنَا بَيْتَ الْقَصِيدِ " (همان)

«آیات! ای فخر زنان... همواره پیشوای پایداری باقی خواهی ماند. / ای مایه‌ی فخر ما! مجال است عفاف و حجاب تو را کینه ورزان خدشه‌دار کنند. / ای عطر کرامت! پیوسته نزد ما به‌عنوان شاه بیت باقی خواهی ماند.»

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی در شعر بیداری اسلامی بحرین بازتابی درخور دارد؛ زیرا انقلاب اسلامی، مبارزات مردم ایران را تبدیل به الگویی قابل قبول برای مردم مسلمان منطقه نموده است.

مضامینی مانند تأکید بر گفتمان دینی (اسلامی) و اندیشه اسلامی و شیعی با تکیه بر مضامین قرآن و حدیث؛ ستایش جهاد و شهادت؛ پایداری در مبارزه علیه استبداد و استعمار؛ دعوت به همبستگی و اتحاد اسلامی و نفی تفرقه؛ روحیه‌ی آزادگی و عدالت خواهی؛ وطن دوستی ایمانی؛ فلسطین، آرمان و اسطوره برتر؛ ستایش چهره‌ی تراز اول انقلاب به‌عنوان کانون مبارزه؛ مژده پیروزی و امیدآوری؛ احیای هویت، عزت و کرامت مسلمانان؛ حضور فعال زنان مسلمان، مهم‌ترین مضامینی است که در شعر بیداری اسلامی بحرین به تأسی از گفتمان انقلاب اسلامی بازتاب یافته است. نکته مهم بازتاب این مضامین در شعر بیداری اسلامی بحرین، بازتاب آن‌ها با همان رویکردی است که در ادبیات پایداری انقلاب اسلامی ایران روی داده است. این امر به خوبی نشان می‌دهد که شعر بیداری بحرین، سخت تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی براساس اصول قرآن کریم، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- امین پور، قیصر (۱۳۶۳)، تنفس صحیح، تهران: انتشارات حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۸)، مجموعه کامل اشعار قیصر/امین پور، چ ۲، تهران: انتشارات مروارید.
- تاج‌بخش، پروین و خدیجه گنجی بیجاربس (۱۳۸۹)، «رحمدل و اسوه‌های پایداری»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره ۲.

- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، گفتمان و تحلیل گفتمانی؛ انتشارات فرهنگ گفتمان، چاپ اول.
- التان، مجتبی (۲۰۱۱)، سایت شعراء ثورة البحرين <http://www.shuarabahrain.net.ms>
- پورطالب، روح الله (۱۳۹۱، ۲۲ تیر)، نقش زنان ایرانی در بیداری اسلامی، پایگاه خبری تحلیلی رویداد: <http://roydadnews.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=12265>
- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۷)، هم صدا با حلق اسماعیل، چ ۴، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حشمت‌زاده، باقر (۱۳۸۵)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- حنفی، حسن (۱۹۹۸)، «تحلیل الخطاب»، المؤتمر العلمی الثالث، تحلیل الخطاب العربی (بحوث مختاره) عمان، جامعه فیلالدفلیا، چاپ اول.
- خواجه‌سروری، غلامرضا (۱۳۹۱)، نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی وجوه تشابه و تمایز، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- خواجه‌سروری، غلامرضا (۱۳۹۱)، نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- دارا، جلیل و کرمی، مصطفی (۱۳۹۲)، آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
- ده‌بزرگی، احد (۱۳۶۷)، در آینه‌ی شقایق، انتشارات برگ.
- رفیعی، محمدعلی (۱۳۸۶)، بیدارگری در علم و هنر: شناختنامه طاهره صفارزاده، چاپ اول، تهران: هنر بیداری.
- روشنفکر، کبری، زارع برمی، مرتضی و قبادی، حسینعلی (۱۳۹۰)، تحلیل تطبیقی درون مایه‌های مقاومت در اشعار سمیع قاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور، فصلنامه- پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ش ۴.
- شعراء ثورة البحرين <http://www.shuarabahrain.net.ms>
- شکری، غالی (۱۹۷۹)، ادب المقاومة، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، چاپ اول.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی، نشریه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- صحیفه نور (ج ۱۱ و ۱۰)، مجموعه وصایای امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴)، دیدار صبح، چاپ دوم، تهران، پارس کتاب.
- العاملی، شیخ احمدالدر (۲۰۱۱)، سایت شعراء ثورة البحرين <http://www.shuarabahrain.net.ms>
- علیجان‌زاده روشن (۱۳۹۱)، محدثه هنر و بیداری اسلامی، شماره ۲۱ ویژه‌ی بیداری اسلامی، روزنامه ملت، پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت، سال سوم شماره ۴۵۲.
- القرمری، آیات، حبسیه؛ باسم الاله مخافتی و رجائی، فصلنامه رساله‌التقلین، سال هیجدهم، شماره ۷۰.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۹)، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: نشر اطلاعات.
- کرانگ، مایک (۱۳۸۳)، جغرافیای فرهنگ، ترجمه مهدی فرخلو، تهران: انتشارات سمت.
- محقق، جواد (۱۳۸۹)، کلمات در خط مقدم، تهران: روایت فتح، چاپ اول.
- مصطفوی‌نیا، سیدمحمدرضی و توکلی‌محمدی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم و چهارم.

- مهرآوران، محمود (۱۳۸۶)، تأثیرها و تصویرها، درآمدی بر تأثیر قرآن و حدیث بر متون فارسی، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
- میرزایی، فرامرز و نصیحت، ناهید (۱۳۸۴)، روش گفتمان کاوی شعر، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴.
- نجف‌زاده بارفروش، محمداقبر (۱۳۷۲)، فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۰)، مجموعه‌ی کامل شعرهای سلمان هراتی با مقدمه قیصر امین‌پور، تهران: دفتر شعر جوان.
- هراتی، محمدجواد (۱۳۹۱)، تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- هزاوه‌ای، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴.
- الیاسری النجفی، زکی (۲۰۱۱)، سایت شعری زکی الیاسری:
Sites.google.com/site/zekialyaseri/biografie
- یزدانی، عنایت‌الله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای. khamenei.ir.
- مکارم‌شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان (۱۳۶۲)، تفسیر نمونه، چاپ ۲۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ثورة الملیار (۳ مارس ۲۰۱۱)، صحيفة الوسط البحرینية، العدد ۳۱۰۰.
<http://www.alwasatnews.com/3100/news/read/530169/1.html>